

بررسی اقتصادی و اجتماعی کشاورزی تجاری در ایران

احمد حب‌خو

۱- مقدمه

بررسی حاضر مبتنی بر این فرضیه است که کشاورز تاجر یکی از عوامل عمده و مؤثر بر فعالیت‌های آبی (از نقطه نظر تولید محصول) بخش کشاورزی در ایران بوده و موفقیت برنامه‌های دولت جهت افزایش تولیدات کشاورزی نیز تا حد زیادی منوط به این واقعیت است که کشاورز تاجر- که نمایانگر بخش کشاورزی است- تا چه میزان بتواند منابع تولیدی و مدیریتی را بسیج کند. در مورد کشاورز تاجر تا کنون اطلاعات اندکی در دست بوده است، و این کمبود مانعی جدی بر سر راه تعیین یک سیاست مناسب، و همچنین طرح و اجرای برنامه‌های مؤثر توسعه و کارآموزی بشمار می‌آید. از این رو مطالعه حاضر به منظور از بین بردن نارسائی موجود در زمینه کمبود اطلاعات مربوط به کشاورزی تجاری در ایران و تشریح موارد زیر صورت گرفته است:

الف: بیان ویژگیهای مشخص کننده کشاورز تاجر.

ب: چگونگی واکنش وی نسبت به انگیزه‌ها یا تنگناهای حقیقی و محسوس.

این بررسی در سه زمینه زیر مفید خواهد بود:

- ۱- درک اثرات سیاست ملی و سیاست بخش‌های مختلف را در مورد کشاورزی تجاری تسهیل می‌کند، بنابراین می‌تواند در تعیین سیاست‌های مناسب برای این بخش فرعی مفید واقع شود.
- ۲- سازمان‌های اجرائی دولت را قادر خواهد ساخت تا در امر توسعه کشاورزی فعال بوده و بتوانند ارباب رجوع خود را بهتر بشناسند، و مالا کارآئی برنامه‌های خود را افزایش دهند.
- ۳- به مؤسسات آموزشی و کشاورزی کمک خواهد کرد تا توانائی و قابلیت‌های کشاورزان تجاری را در زمینه مدیریت و امور فنی ارزیابی کنند، و مبنائی که تصمیمات خود را بر آن استوار می‌سازند، بهتر بشناسند. این امر به نوبه خود، مؤسسات کارآموزی را یاری می‌دهد تا نحوه ترتیب و تنظیم دوره‌های آموزشی خویش را بهبود بخشند و اطلاعات اساسی لازم را جهت تهیه مواد آموزشی ارائه دهند.

بررسی حاضر شامل دو مرحله است: مرحله نخست مشتمل است بر مطالعه اطلاعات اساسی و موجود در مورد تعداد زیادی از کشاورزان تجاری، و مرحله دوم بررسی عمیق‌تر نظریات قریب ۱۰ درصد از کشاورزانی است که در مرحله نخست مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

طرح بررسی حاضر، مواجه با دو اشکال عمده بود: (الف) اطلاعات بسیار اندکی راجع به دو «جمعیت» مورد مطالعه در دست بود، (ب) جمعیت مزبور فوق العاده نامتجانس می نمود.

۱-۱. بررسی منابع موجود

اغلب گزارش ها دال بروجود کمتر از ۷۰ هزار واحد بهره برداری تجاری در ایران می باشد. در گزارش «کاندا»^۱ که براساس منابع بانک جهانی تنظیم شده تعداد کشاورزان تاجر بگونه زیر آمده است:

— حدود ۵ هزار باغدار که در سطحی برابر با ۲۰۰ هزار هکتار فعالیت دارند.

— حدود ۵ هزار کشاورز که هر یک در سطحی بیش از ۱ هکتار فعالیت دارند.

— حدود ۳ تا ۵ هزار مالک قدیمی با فعالیت در سطحی حدود ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ هکتار که

تقریباً نیمی از این اراضی را سالانه زیر کشت میبرند.

«کاندا» معتقد است که این گروه (۳۰ تا ۱۵۰ هزار نفر) از کشاورزان تاجر بیش از

۵۰ درصد ارزش افزوده محصولات کشاورزی را تولید و به بازار عرضه می نمایند. و آنها را «بخش زنده

کشاورزی ایران»^۲ می نامد. بهترین راه برای افزایش سطح تولید در کشور به نظر «کاندا» کمک به این

عده از کشاورزان جهت انجام سرمایه گذاری های مهم می باشد. «جورج بهران» برآورد می کند که در

ایران حدود ۱۱ هزار کشاورز وجود دارد که هر یک در سطحی بزرگتر از ۱۰ هکتار فعالیت دارند.^۳

گزارش های مرکز آمار ایران دال بر آنند که ۳۹۵ هزار کشاورز در سطحی بین ۱۰ تا ۵

هکتار، ۱۱ هزار کشاورز در سطحی بین ۵ تا ۱۰ هکتار، و ۶ هزار کشاورز در سطحی بیش از ۱۰۰

هکتار فعالیت دارند.^۴ با در نظر گرفتن آمار این مرکز و تعداد کل بهره برداری ها می توان دید که

تنها ۵ درصد از بهره برداری های کشاورز در سطحی بزرگتر از ۱ هکتار می باشد. اولین نتیجه گیری

از این همه اختلاف در آمار موجود آنست که علی رغم اهمیت که این آمار برای کشاورزان

تاجر قائل شده اند هر یک از آن ها دارای نقطه نظرهای متفاوتی در مورد تعریف کشاورز تاجر و

شرایط متمایز کننده او از تولید کننده معیشتی می باشند. ضوابطی که مرکز آمار ایران برای مطالعات

خود جهت مشخص نمودن کشاورزان «بزرگ» از کشاورزان «کوچک» انتخاب نموده به شرح زیر است:

1. H. Coneda "Employment and Income Policies for Iran," Mission working paper No. 111 I.L.O. Geneva, Feb. 1973, p. 34.

2. The viable sub-sector of Iranian agriculture.

3. George Mahran "Agribusiness Opportunities in Iran," The Agricultural council Inc. N.Y., June 1970, p. 15.

۴. مرکز آمار ایران، نتایج آمار کشاورزی سال ۱۳۵۱، تهران، سرداد ماه ۱۳۵۳،

(الف) باغ، شامل انواع محصولات دائمی جمعاً ۱ هکتار و بیشتر.
 (ب) زمین های زراعتی منجمله آیش و زمین های بایر قابل دایر شدن جمعاً ۲ هکتار و بیشتر.
 (ج) دام های بزرگ از قبیل گاو، گوساله، حیوانات حمل و نقل، گاو میش جمعاً ۱۰۰ رأس و بیشتر.

(د) دام های کوچک از قبیل گوسفند، بره، بز، بزغاله جمعاً ۵۰۰ رأس و بیشتر.
 (ه) ماسکیان شامل مرغ، خروس، جوجه، بوقلمون، اردک، غاز جمعاً ۱۰۰۰ عدد و بیشتر.
 بنابراین بدیهی است که منابع تولیدی کشاورز بعنوان شاخص عمده تمایز بین واحدهای کوچک و بزرگ مورد استفاده قرار گرفته است. در عین حال واحدهای کشاورزی را می توان معادل یک واحد کشاورزی خانوادگی دانست که معمولاً توسط افراد خانواده یک کشاورز و احتمالاً با همکاری چند کارگر - که بطور پاره وقت اجیر شده باشند - اداره می شود. واحد کشاورزی خانوادگی که معمولاً در کشورهای کمتر توسعه یافته بعنوان کشاورزی بخور و نمیر تلقی می شود، در آمریکا و سایر ممالک پیشرفته در حقیقت سلول اصلی توسعه کشاورزی بوده است. «ملاسیس» ضمن بحث در مورد جنبه تجاری دادن به کشاورزی، اظهار می دارد در صورتیکه جمعیت کشاورز یک کشور بیش از ۵۰ درصد از فرآورده های تولیدی را در مناطق خود بصرف می رسانند - یعنی کمتر از ۵۰ درصد فرآورده ها به بازار راه یابد - بر آن کشور، کشاورزی بخور و نمیر حکم فرم است.
 در سال ۱۹۵۹، در ایالات متحده آمریکا به واحدهای کشاورزی ای که معادل ۲۵۰۰ دلار یا بیشتر، از محل فروش فرآورده های تولیدی خود درآمد می داشت، واحدهای کشاورزی (مزارع) تجاری اطلاق می شد.^۱ مزارعی که کمتر از ۲۵۰ دلار فروش داشتند فقط در صورتی جزو واحدهای تجاری قلمداد می شدند که سن کشاورز آن زیر ۶۵ سال بوده (در تاریخ مذکور ۶/۸ درصد از کشاورزان ۶۵ سال یا بیشتر داشتند)، و فعالیت های غیر کشاورزی وی در سال، کمتر از ۱۰۰ روز وسطح درآمد حاصل از فعالیت های غیر کشاورزی خانواده اش، پائین تر از سطح درآمد مزرعه باشد.

۲-۱. متدولوژی و جنبه های عملیاتی مرحله نخست

بمنظور کاهش میزان ابهام و در نتیجه کارآئی مصاحبه کنندگان، ضوابطی چند در نظر گرفته شد. آن دسته از واحدهای کشاورزی (مزارع) که مشمول ضوابط مزبور بود بعنوان تجاری مشخص گردید و مابقی واحدها که خارج از محدوده ضوابط تعیین شده بودند از فهرست مصاحبه حذف شدند. در این مرحله ضوابط زیر معرف یک واحد تجاری می باشد:

1. L. Malassis, «Agriculture et Processus du développement» UNESCO, Paris, 1973, p. 84.

2. Snodgrass, M.M and Wallace L.T., «Agriculture, Economics and Growth,» Apuleton - Century - Crofts, N.Y., 1964, p. 138.

- (الف) باغدارانی که مجموعاً ۶ هکتار اراضی یا بیشتر در اختیار دارند.
- (ب) کشاورزانی که مالک ۱ هکتار زمین مزروعی یا بیشتر (اراضی آبی) می باشند .
- (ج) کشاورزانی که مالک ۳ هکتار زمین دیم یا بیشتر هستند.
- (د) دارا بودن ۳ رأس دام بزرگ (گاو، گاو میش) یا بیشتر .
- (ه) دارا بودن ۳ رأس دام کوچک (گوسفند، بز) .
- (و) دارا بودن ۶۰۰۰ عدد طیور یا بیشتر .

از سطور فوق چنین برمی آید که تقریباً در تمامی موارد حداقل ضوابط بکار گرفته شده، کمتر از ضوابطی است که قبلاً توسط مرکز آمار ایران ذکر گردیده است. در سواردی که یک کشاورز، فعالیت مختلط یا گوناگون داشت، قرار بر این شد که مورد مصاحبه قرار گیرد، مشروط بر اینکه وی در سطح قابل قیاس یا حداقل سطح لازم برای شمول ضوابط مذکور، قرار گرفته باشد. البته تشخیص این امر بعهده صاحبه کنندگان بود که همگی کارشناس کشاورزی بودند.

۱-۳. چهارچوب بررسی

نخست پرسشنامه ای تهیه و بعنوان آزمایش در نواحی شمال کشور (قزوین)، ورامین و گرسار توزیع و تکمیل گردید. سپس بر این اساس پرسشنامه اصلی برای استفاده در مرحله نخست بررسی منطقه ای، تنظیم شد، که هدف از آن تشخیص و تشریح کشاورز تاجر در ایران بود. اگرچه این پرسشنامه برای یک منظور تهیه شده بود، ولی با تکمیل آن اطلاعات فرعی دیگری نیز بدست آمد. برای تعیین موقعیت مصاحبه شوندگان، فنون نمونه گیری چند مرحله ای بکار گرفته شد و بدین منظور پنج منطقه بشرح زیر انتخاب شد :

- ۱- آذربایجان غربی ۲- گرگان ۳- فارس ۴- خراسان ۵- استان مرکزی .

در هر یک از این مناطق تعدادی بخش وجود دارد که بین تقسیمات کشوری بوده، و در بسیاری از موارد از نظر موقعیت جغرافیائی نامتجانس اند. با استفاده از روش نمونه گیری خطی سیستماتیک ده درصد کل تعداد بخشهای هر منطقه بطور تصادفی انتخاب گردید. در سطح هر بخش، در حدود ۵۰ درصد از کل روستاها بعنوان مناطق اصلی و ۲۰ درصد بعنوان مناطق فرعی مورد مصاحبه، در نظر گرفته شد. به سخن دیگر، برای حصول اطمینان ۷۰ درصد، تعداد ۱۶ بخش برگزیده شد که کلاً ۵۰ روستای عمده را در برمی گرفتند و روستاهای مزبور مراکز جغرافیائی منطقه مورد بررسی بشمار می رفتند. بخشها عبارتند از :

- | | |
|--|--|
| <p>در خراسان :</p> <p>۸- بشرویه (فردوس)</p> <p>۹- نیشابور (حومه)</p> <p>۱۰- خلیل آباد (کاشمر)</p> <p>۱۱- جغتای (سبزوار)</p> <p>۱۲- ریوش (کاشمر)</p> <p>در استان مرکزی :</p> <p>۱۳- آوج (قزوین)</p> <p>۱۴- کاشان (حومه)</p> <p>۱۵- اراک (حومه)</p> <p>۱۶- دساوند (حومه)</p> | <p>در آذربایجان غربی :</p> <p>۱- سیلوانه (رضائیه)</p> <p>۲- شاهپور</p> <p>در گرگان :</p> <p>۳- حومه گرگان</p> <p>۴- گمیشان</p> <p>در فارس :</p> <p>۵- فسا</p> <p>۶- زرقان (شیراز)</p> <p>۷- نودان (کازرون)</p> |
|--|--|

۶ تن کارشناس کشاورزی به همراه مدیر طرح برای انجام مصاحبه و تکمیل کردن ۷۰ پرسشنامه به مدت ۲ ماه، به مناطق مورد نظر سفر کردند. بدی وضع جاده‌ها، برف سنگین و عدم حضور کشاورزان تاجر، از جمله مهمترین عواملی بودند که موجب طولانی شدن مرحله مصاحبه شدند. اگرچه پرسشنامه‌ها قبلاً کدگذاری شده و فرسول ستاده‌ها و جدول بندی‌های نهائی از پیش مشخص شده بود، اما مرحله بررسی و نتیجه‌گیری اطلاعات و ارقام و چاپ آنها در مرکز کامپیوتر دانشگاه تهران، بیش از ۳ ماه به درازا کشید. تمامی اطلاعات و ارقام بر روی ۲۴ کارت سنگنه (پانچ) شد و بر روی ۶ نوار ثبت گردید، که همگی در آرشیو مرکز کامپیوتر دانشگاه تهران بایگانی شده‌اند. ترتیب منطقی هر برنامه نیز تعیین و برای طی مراحل بعدی به تحلیل‌گران ارائه گردید. یک مسأله مهم، چگونگی طبقه‌بندی کشاورزان تاجر به هنگام تجزیه و تحلیل، و همچنین نحوه جهت‌گیری ضوابط حداقل بود.

۱-۴. طبقه‌بندی واحدهای تولیدی به تفکیک میزان فعالیت آنها

سبنای طبقه بندی :

در این بررسی، واحدهای تولیدی براساس میزان فروش فرآورده‌های آنها (ارزش ناخالص تولیدات) طبقه‌بندی می‌شوند. ضرائب بهره‌وری (قابلیت تولید) که در زمینه تولید فرآورده‌های کشاورزی بکار می‌رود، نمایانگر میزان فروش می‌باشد.

ضرائب :

واحد اصلی (معیار اصلی سنجش) معادل یک هکتار زمین مزروعی دیم‌است که بطور متوسط ۸/ تن گندم بدست می‌دهد. ارزش ناخالص این مقدار گندم در سال ۱۳۵۳ برابر با ۸۰۰۰ ریال است. ضرائب بهره‌وری که در گزارش حاضر بکار رفته است عبارتند از :

تولید	واحد	۱	معادل	یک هکتار زمین دیم (در آذربایجان غربی، فارس، خراسان، استان مرکزی و گرگان)
»	»	۲/۵	»	یک هکتار زمین آبی
»	»	۰/۲	»	یک رأس گوسفند یا بز بالغ
»	»	۰/۷۵	»	یک رأس گاو بالغ
»	»	۱۰	»	یک هکتار باغ
»	»	۱	»	۵ جوجه مرغ

طبقات مختلف واحدهای تولیدی: واحدهای تولیدی به شرحی که در صفحه بعد آمده است طبقه بندی می شوند.

ماتریس: بر اساس طبقه بندی فوق کامپیوتر ماتریس زیر را بدست داد*

فعالیت تولیدی غالب: (۱)	خیلی بزرگ	بزرگ	متوسط	کوچک	بزرگ در سطح ده	جمع
۱- محصول آبی						
۲- محصول دیم						
۳- باغ						
دام:						
۴- گوسفند						
۵- گاو						
۶- طیور						
واحد تولیدی مختلط: (۲)						
۷- آبی/دیم						
۸- دیم/باغ						
۹- سایر فرآورده ها						
جمع						

* نتایج حاصله برای ماتریس فوق نشان داد که فرضیات اصلی درست بوده و هیچگونه تغییر و تعدیلی در تعاریف ضرورت ندارد.

(۱) منظور از فعالیت تولیدی غالب مزرعه ای است که ۵۰ درصد واحدهای تولیدی (معیار سنجش تولید) یا بیشتر آن از نوع فعالیت غالب مزرعه میباشد.
 (۲) واحد تولیدی مختلط به واحدی اطلاق می شود که مجموع دو نوع فعالیتش (مثلاً دامداری و زراعت) نمایانگر ۷۰ درصد واحدهای تولیدی یا بیشتر باشد.

طبقه‌بندی قراردادی واحدهای تولیدی به تکنیک حجم فعالیت

واحد تولیدی (۵)	واحد تولیدی کوچک (۴)	واحد تولیدی متوسط (۳)	واحد تولیدی بزرگ (۲)	واحد تولیدی خیلی بزرگ (۱)	درآمد ناخالص (به میلیون ریال) واحدهای تولیدی*
۰/۲ - ۰/۴	۰/۴ - ۰/۸	۰/۸ - ۲	۲ - ۴	بیشتر از ۴	
۲۵ - ۵۰	۵۰ - ۱۰۰	۱۰۰ - ۲۵۰	۲۵۰ - ۵۰۰	» » »	
۱۰ - ۲۰	۲۰ - ۴۰	۴۰ - ۱۰۰	۱۰۰ - ۲۰۰	بیشتر از ۲۰۰	سطح اراضی برحسب هکتار:
۲۵ - ۵۰	۵۰ - ۱۰۰	۱۰۰ - ۲۵۰	۲۵۰ - ۵۰۰	» » »	اراضی آبی
۷/۵ - ۵	۵ - ۱۰	۱۰ - ۲۵	۱۰ - ۵۰	» » »	اراضی دیم
۱۲۵ - ۲۵۰	۲۵۰ - ۵۰۰	۵۰۰ - ۱۲۵۰	۱۲۵۰ - ۲۵۰۰	بیشتر از ۲۵۰۰	باغ
۳۳ - ۶۷	۶۷ - ۱۳۳	۱۳۳ - ۳۳۳	۳۳۳ - ۶۶۶	» » »	تعداد گوسفند و بز
۱۲۵۰ - ۲۵۰۰	۲۵۰۰ - ۵۰۰۰	۵۰۰۰ - ۱۲۵۰۰	۱۲۵۰۰ - ۲۵۰۰۰	» » »	تعداد گاو
					تعداد طیور

* کل «واحدهای تولید» هرگزعه (واحد تولیدی) معمولا متشکل از اراضی آبی و نیز سایر اراضی می‌باشد.

۵-۱. متدولوژی و جنبه‌های عملیاتی مرحله دوم

مرحله دوم بدواً، بمنظور بررسی نظر و برداشت کشاورزان تاجر از کشاورزی بعنوان یک پیشه طرح شد. هدف از این بررسی گردآوری اطلاعات در زمینه‌های زیر بود:

برنامه‌های سرمایه‌گذاری کشاورزان (در صورت داشتن چنین برنامه‌هایی)، دلایل آنان برای اقدام به سرمایه‌گذاری و خودداری از سرمایه‌گذاری، دریافتشان از اقتصاد کلان و سیاست‌ها و دورنمای بخش کشاورزی، چگونگی تشخیص آنان نسبت به تنگناهای موجود بر سر راه توسعه کشاورزی، و بالاخره نظریات آنان در خصوص استاندارد داده‌ها و خدمات کشاورزی. از آنجا که بررسی حاضر به منظور جمع‌آوری عقاید و نظریات کشاورزان صورت می‌گرفت، و نه پی‌بردن به حقایق آماری، استفاده از یک پرسشنامه دقیق و حساب شده نظیر پرسشنامه مربوط به مرحله نخست، برای این مرحله از بررسی، مناسب نبود. وظیفه یک پرسشگر، در واقع دریافت نظریات و عقاید مصاحبه شونده پیرامون یک سلسله موضوعات از خلال گفت‌وگو بود نه از طریق طرح یک سری سؤالات از پیش طراحی شده با جواب‌های پیش‌بینی شده از قبل. بدین لحاظ، از پرسشگر خواسته شده که به اندازه کافی انعطاف پذیر باشد تا امکان انجام و تکمیل مصاحبه به بهترین گونه ممکن میسر گردد. برای حصول اطمینان از اینکه کلیه نکات در مصاحبه آمده و در عین حال انعطاف پذیری لازم حفظ شود، فهرستی از سؤالات و موضوعات، قبلاً تهیه شده بود. نمونه منتخب برای بررسی، شامل ۱۰ درصد کشاورزان تاجر بود که در مرحله نخست با آنان مصاحبه شده بود.

از همان آغاز مصاحبه معلوم شد که مصاحبه شونده‌گان بطور کلی نسبتاً تحصیل کرده و افرادی مطلع می‌باشند و درباره‌ای موارد اطلاعات آنان در مورد کشاورزی منطقه بیش از دانش مصاحبه کنندگان بود. امید می‌رفت که برای هر یک از گروه‌های پنجگانه یادشده، دو فقره مصاحبه در محل صورت گیرد، اما، بعلت عدم حضور برخی از کشاورزان تاجر و ضیق وقت، انجام این کار عملاً بسیار مشکل بود. در نتیجه تعداد مصاحبه‌های انجام گرفته به شرح زیر است:

منطقه

منطقه	گرجان	استان مرکزی	خراسان	فارس	آذربایجان غربی	جمع
خیلی بزرگ	۳	۵	۴	۳	۱	۱۶
بزرگ	۴	۲	۲	—	۵	۱۳
متوسط	۴	۱	۳	۳	۱	۱۱
کوچک	۲	۱	۲	۲	۵	۱۲
بزرگ در سطح ده	۱	۲	۲	۲	۱	۸
جمع	۱۴	۱۱	۱۳	۹	۱۳	۶۰

۲- نتایج: ویژگیهای تولید

۲-۱. مالکیت زمین و نحوه استفاده از آن

جدول شماره ۳ نمایانگر اراضی متعلق به هر یک از واحدهای تولیدی پنجگانه مذکور در فوق می باشد. با مشاهده این جدول نکاتی چند ملاحظه می شود:

(الف) گروه بسیار بزرگی (واحدهای شماره ۱) قریب ۷ درصد تعداد مزارع و ۴ درصد از کل اراضی مورد نظر را در اختیار دارد.

جدول شماره (۲)

اراضی متعلق به کشاورزان تاجر*

تعداد	کل اراضی	متوسط سطح	متوسط سطح	متوسط تعداد	نوع واحد تولیدی
در نمونه	به هکتار	به هکتار	زیر کشت آبی	قطعاعات	کشاورزان
		در هر مزرعه	اراضی	از قطعاعات	
		به هکتار	جد آگانه	به هکتار	
۴۵	۱۵۹۱۸	۳۶۴	۲۸۱	۴/۹	واحد تولیدی شماره ۱
۵۰	۴۷۶۶	۹۶	۶۰	۱۰/۲	واحد تولیدی شماره ۲
۱۸۳	۷۶۳۸	۴۰	۲۶	۹/۱	واحد تولیدی شماره ۳
۲۴۱	۴۷۱۲	۲۲	۱۳	۱۰/۷	واحد تولیدی شماره ۴
۱۴۲	۱۹۷۱	۱۳	۸	۹	واحد تولیدی شماره ۵
۶۵۱	۳۵۰۰۰	۵۴	۳۶	—	جمع

(ب) در تمامی گروههای مزبور حدود ۶ تا ۷ درصد سطح کل مزارع، زیر کشت آبی می باشد.

(ج) تقسیم اراضی مزروعی به قطعاعات انفرادی در تمامی گروههای یاد شده به استثنای گروه بسیار بزرگ عمومیت دارد. در مورد کشاورزان طبقه بندی شده در گروه بسیار بزرگ، نزدیک به ۶۹ درصد اراضی زیر کشت از طریق ارث به آنان منتقل شده است، و باقی را خود کشاورزان خریداری کرده اند. بقیه کشاورزان دیگر گروههای یاد شده، بترتیب نیمی از اراضی شان را به ارث برده اند و نیم دیگر را خریداری کرده اند (این شامل اراضی مشمول اصلاحات ارضی نیز می شود). فقط در حدود ۶ درصد از کل سطح اراضی اجاره ای بوده، یا بطور مشاع مورد بهره برداری قرار می گیرد، بطوری که در جدول ۳ مشهود است بیش از نیمی از مزارع نمونه عموماً به طریق کشت آبی عمل می کنند.

۱. کشاورز تاجر را معادل Commercial Farmer آورده ایم در این تقسیم بندی هر چه از واحد تولیدی شماره ۵ بسوی واحد تولیدی شماره ۱ می رویم حجم فعالیت های کشاورزی افزایش می یابد.

جدول شماره (۳)

تعداد مزارع به تفکیک نوع زراعت فعالیت عمده (فرآورده عمده تولیدی مزرعه)*

نوع واحد تولیدی	محصولات				جمع
	آبی	دییم	دامی	مختلط	
واحد تولیدی شماره ۱	۲۷	۹	۱	۵	۴۵
واحد تولیدی شماره ۲	۲۳	۱۸	۲	۲	۵۰
واحد تولیدی شماره ۳	۸۶	۳۶	۶	۲۶	۱۸۳
واحد تولیدی شماره ۴	۱۰۰	۲۹	۱۹	۵۱	۲۳۱
واحد تولیدی شماره ۵	۱۰۲	۹	۸	۱۰	۱۴۲

* در این تقسیم‌بندی منظور از فعالیت عمده آنست که منجر به تولید فرآورده‌ای شود که آن فرآورده بیش از نیمی از تولیدات مزرعه را تشکیل دهد.

متأسفانه اطلاعات و ارقام گردآوری شده در مورد جزئیات مربوط به نحوه استفاده از اراضی مزرعی آنقدر یکنواخت نبود که یک الگوی موثق محصول بدست دهد. همان‌طور که انتظار می‌رفت، محصولات عمده تولیدی در سال ۱۳۵۳ عبارت بودند از گندم، پنبه، چغندر قند و برنج. مقادیر معتدله‌ای از اراضی هر مزرعه در همان سال بصورت آیش بوده و محصولی تولید نکرده است.

۲-۲. استفاده از کارگر و ماشین‌آلات

تمامی کشاورزانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند کارگر دائم در اختیار دارند، و در حدود ۹۵ درصد آنان به هنگام تراکم کار در فصول زراعی از وجود کارگران سوقت استفاده می‌کنند. قریب $\frac{2}{3}$ کارگران دائم در مزرعه بسر می‌برند. در مزارع بزرگ در ازاء هر ۱ هکتار اراضی مزرعی یک نفر کارگر دائم، و در مزارع کوچک‌تر برای هر ۵ هکتار زمین یک نفر کارگر به خدمت می‌گمارند. چنین به نظر می‌رسد که کاهش نیروی کار در واحد سطح در مزارع بزرگ‌تر منجر به تقلیل تولید نخواهد شد. اکثر کشاورزان مورد مصاحبه اظهار داشتند که ظرف یکی دو سال اخیر نرخ دستمزد کارگران‌شان را به دوبرابر افزایش داده و در نظر دارند که در آینده نزدیک حتی الامکان در امر کشاورزی از ماشین‌آلات بیشتر بهره‌برگیرند. استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی بطور کلی محدود است به شخم‌زنی، برداشت گندم، دفع حشرات و حمل و نقل فرآورده‌ها. بطوری که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، ماشین‌آلات عمده لازم جهت بالابردن سطح تولید، از قبیل ماشین بذرپاشی و تسطیح زمین بندرت در مزارع نمونه، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

حتی در مزارع مربوط به گروه‌های خیلی بزرگ تولید (واحد تولیدی شماره ۱) فقط $\frac{1}{3}$ کشاورزان ماشین‌های بذر پاشی را بکار می‌گرفتند، و $\frac{1}{3}$ آنان از ماشین‌های تسطیح زمین استفاده کرده‌اند. از نظر کشاورزان، مشکلات عمده بر سر راه کاربرد بیشتر ماشین‌آلات زراعی، عبارتند از:

(الف) هزینه زیاد سرمایه‌گذاری در اسر ماشین‌آلات جدید در ارتباط با منابع سرمایه‌ای آنان.

(ب) فقدان کارگر ماهر.

(ج) هزینه زیاد تعمیر و قطعات یدکی ماشین‌آلات.

کشاورزان جزء فقدان سرمایه و کشاورزان عمده، نبودن کارگر و هزینه زیاد را بعنوان مشکلات اصلی خود بشمار می‌آورند.

بدیهی است که کشاورزان بطور کلی فاقد اطلاعات و آگاهی لازم جهت افزایش درآمد خود از طریق استفاده از ماشین‌آلات، در سواردی غیر از امور عمده زراعت (شخم‌زنی و برداشت غله) می‌باشند. از این رو انجام فعالیت‌های نمایشی و کارآسوزی در زمینه کار برد ماشین‌های شخم‌زنی، بذرپاشی، سمپاشی و برداشت که از کیفیت بهتری برخوردار باشند مفید خواهد بود.

۳-۲. منابع آب و موارد استفاده آنها

در مورد منبع و حجم آب‌های موجود برای آبیاری اراضی کشاورزان، اطلاعات دقیقی در دست نیست. اطلاعات موجود در این مورد حاکی است که در تابستان منابع تهیه آب رو به کاهش رفته است، اما باید توضیحات و دانستنیهای بیشتری در این زمینه ارائه شود. اگر چه مسأله کمبود آب بسته به مناطق مختلف، متفاوت است، با وجود این اکثر کشاورزان در تأمین آب مورد نیاز مواجه با اشکالاتی می‌باشند. قریب ۸۴ درصد کشاورزان جزء ۳۳ درصد کشاورزان عمده دچار مشکل تهیه آب لازم هستند. نزدیک به ۴ درصد کشاورزان مشکل «کمبود آب» را بعنوان عامل اصلی رها کردن اراضی زیر آیش بر شمرند. گویانکه آماده کردن این زمین‌ها جهت کشت فصل آبی زراعتی ضرورت دارد. نبودن سرمایه برای حفر چاه و لارویی قنات و همچنین نقصان سطح آب رودخانه‌ها در تابستان از جمله مشکلات مبتلا به کشاورزان بود. مشکلات اداری کسب پروانه ایجاد چاه نیز تا حدی عامل بازدارنده بشمار می‌رفت.

۴-۲. فنون تولید و بازده

استفاده از بذر اصلاح‌شده کود و ماشین‌های تسطیح زمین و بذرپاشی منجر به افزایش بازده محصول می‌شوند. به موجب بررسی بعمل آمده، سطح بازده محصول در گروه نمونه، بیش از متوسط سطح بازده محصول در ایران است. اما فقط در مورد گندم آبی نتایج بدست آمده‌ها کی است که بین استفاده از داده‌ها و بازده ارتباط پایداری برقرار است (به جدول ۴ و ۵ مراجعه شود).

جدول شماره (۴)

استفاده از کارگر و ماشین آلات به تفکیک حجم فعالیت مزرعه

شماره ۱	شماره ۲	شماره ۳	شماره ۴	شماره ۵	واحدتولیدی
۱۴/۸	۴/۶	۳	۳/۳	۱/۵	تعداد کارگران دائم هر مزرعه
					اراضی مزروعی به ازاء هر یک
۱۹	۱۳	۸/۷	۳/۹	۵/۳	نفر کارگر (هکتار)
۶۹	۶۰	۳۷	۲۲	۱۷	تراکتور متعلق به کشاورزان (درصد)
۱۳	۳۲	۵۱	۵۹	۸۴	اجاره تراکتور (درصد)
۳۵	۲۰	۱۲	۱۲	۱۴	ماشین های بذر پاشی (درصد)
۲۲	۴	۱	—	—	ماشین های تسطیح (درصد)
					متوسط بازده گندم در واحد سطح (تن در هکتار)
۳/۲	۲/۱	۲	۱/۹	۱/۹	

جدول (۵)

بازده محصول بر اساس اظهارات کشاورزان

شماره ۱	شماره ۲	شماره ۳	شماره ۴	شماره ۵	واحدتولیدی
۳/۲	۲/۱	۲	۱/۹	۱/۹	متوسط بازده گندم آبی (تن در هکتار)
۹۸	۶۵	۴۹	۴۲	۳۹	درصد بذر اصلاح شده کاشته شده نسبت به کل بذرهای بکار رفته
۱/۷	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۲/۱	بازده پنبه (تن در هکتار)
۷/۹	۵/۷	۸/۳	۵/۲	۸/۵	بازده یونجه (تن در هکتار)
۲۶/۹	۱۴/۱	۱۵/۵	۱۹/۲	۲۳/۵	بازده چغندر قند (تن در هکتار)

در مورد کشت محصول به غیر از گندم آبی، کشاورزان عمده از بذر اصلاح شده و کود به میزان بیشتری استفاده کرده و به ماشین آلات مدرن تر نیز دسترسی دارند. اما بازده محصول در مزارع کوچک و بزرگ از روند صریح و مشخصی تبعیت نمی کند. با وجود این در صورتی که مزارع کوچک تر و متوسط (واحدهای تولیدی شماره ۲ تا ۵) بتوانند از نظر کاربرد ماشین آلات و فنون زراعی در تولید، گندم خود را به سطح مزارع بزرگ (واحد تولیدی شماره ۱) برسانند، تولید و بهره‌وری به میزان معتنا بهی افزایش خواهد یافت.

اطلاعات مربوط به تولید دام آتقدرها دقیق و کامل نیست که بر اساس آن بتوان ارتباط مشخصی بین فنون دامپروری و میزان تولید بدست داد. مع الوصف در دامدارای متعلق به گروه تولیدی شماره ۴ که نسبت به سایر گروه‌ها، گاوهای شیری وارداتی بیشتری در اختیار داشتند، میزان تولید بالاتر بود (هر گاو روزانه ۶ لیتر شیر می دهد، حال آن که گاوهای محلی در هر روز ۴ لیتر شیسر می دهند).

۵-۲. اعتبار و بازاریابی

منابع عرضه اعتبار:

شرکت‌های تعاونی روستائی و بانک تعاون کشاورزی ایران بیشترین تعداد وام را به

جدول شماره (۶ - الف)

منابع عرضه اعتبار (درصد تعداد وام‌های دریافتی در سال ۱۳۵۳)

منبع عرضه اعتبار	شماره ۱	شماره ۲	شماره ۳	شماره ۴	شماره ۵
شرکت تعاونی	۹/۳	۲۲/۸	۳۰/۷۷	۳۰/۳	۲۳/۸
بانک توسعه کشاورزی	۹/۳	۳/۵	۱	۴	۰/۵
بانک تعاون کشاورزی	۳۴/۹	۴۰/۴	۳۱/۷	۳۹	۲۸/۴
بانک ملی	۹/۳	—	۰/۵	—	—
بانک صادرات	۲/۳	۱/۷	۲/۵	۴/۱	۳/۲
سایر بانکها	۱۱/۶	۳/۵	۱	۰/۷	۰/۹
واسطه‌های بازار	—	۱/۸	۲/۵	۱/۵	۵
سلف‌خران	۲/۳	۷	۵/۹	۷/۱	۱۰/۸
مغازه‌داران	—	۵/۳	۱۳/۴	۱۱/۲	۸/۶
دوستان واقوام	—	۳/۵	۳	۲/۲	۶/۳
سایر منابع	۱۱/۶	۵/۳	۳	۱/۵	۲/۳
کارخانه‌ها	۹/۳	۵/۳	۵	۷/۱	۵/۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

کشاورزان تاجر پرداخته‌اند. این منابع، متجاوز از ۶ درصد از فقره وام‌های عرضه شده به سه کشاورزان جزء را فراهم کرده‌اند و جای بسی تعجب است که کشاورزان عمده بیش از ۴ درصد کل وام‌ها را دریافت داشته‌اند. متأسفانه میزان و حجم وام‌های مزبور معلوم نیست. جداول ۶- الف و ۶- ب اطلاعات مربوط به منابع عرضه وام را منعکس می‌کند.

جدول شماره (۶- ب)

نوع منبع عرضه اعتبار

واحدتولیدی واحدتولیدی واحدتولیدی واحدتولیدی واحدتولیدی

شماره ۱	شماره ۲	شماره ۳	شماره ۴	شماره ۵
۱- بانک‌ها :				
۴۴/۲	۳۲/۹	۳۲/۷	۲۹/۴	۲۸/۹
الف) بانک‌های تخصصی				
۲۳/۲	۵/۲	۳/۸	۴/۷	۵
ب) سایر بانک‌ها				
۶۷/۴	۴۹/۱	۳۶/۵	۳۴/۱	۲۳/۹
جمع				
۲- منابع غیربانکی:				
۹/۳	۲۲/۸	۳۰/۷	۳۵/۳	۲۳/۸
الف) تعاون				
۲۳/۲	۲۸/۱	۳۲/۸	۳۰/۶	۳۲/۳
ب) سایر منابع				
۳۲/۵	۵۰/۹	۶۳/۵	۶۵/۹	۶۶/۱
جمع				

بطوری که در جدول‌های یاد شده مشهود است، واحدهای تولیدی بزرگ بیشتر از مؤسسات وام دهی رسمی (بانک‌ها) اعتبار دریافت کرده‌اند و واحدهای تولیدی کوچک عموماً از منابع غیررسمی وام گرفته‌اند. فقط واحدهای تولیدی بزرگ (شماره ۱) بخش اعظم وام‌های مورد نیاز خود را از بانک‌های تجاری تأمین کرده و کمتر به بانک‌های کشاورزی روی آورده‌اند. بانک توسعه کشاورزی بیشترین تعداد وام‌های خود را به دو واحد تولیدی شماره ۱ و ۲ (که متجاوز از ۱۰۰ هکتار اراضی آبی در اختیار دارند) عرضه کرده است.

شرایط پرداخت وام

جدول شماره ۷، نمایانگر نسبت وام‌های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت دریافتی توسط کشاورزان هرگروه است. کشاورزان عمده بطور کلی بیشترین نسبت وام‌های میان مدت و دراز مدت عرضه شده را به خود اختصاص داده‌اند. می‌توان گفت که منظور تمامی کشاورزان از دریافت وام‌های کوتاه مدت تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز بوده و وام‌های میان مدت و دراز مدت را غالباً جهت برآورد نیازهای عمرانی و تولیدی به مصرف می‌رسانند. با توجه به این فرضیات و جدول ۷ چنین بنظر می‌رسد که متجاوز از ۴ درصد کشاورزان عمده و قریب ۱۵ درصد کشاورزان جزء،

جدول شماره (۷)
درصد واسها به تفکیک مدت (انواع وام)

درصد وام	واحد تولیدی شماره ۰		واحد تولیدی شماره ۴		واحد تولیدی شماره ۳		واحد تولیدی شماره ۲		واحد تولیدی شماره ۱		مدت وام
	درصد انظر	تعداد وام	درصد انظر	تعداد وام	درصد انظر	تعداد وام	درصد انظر	تعداد وام	درصد انظر	تعداد وام	
۸۳/۴	۹۶/۹	۹۴/۵	۸۰/۵	۸۶/۵	۸۳/۶	۷۴	۸۴/۲	۶۹/۸	۵۹/۲	۱۸/۶	۱- کوتاه مدت (کمتر از ۲۴ ماه)
۱۰/۹	۱۲/۲	۵/۹	۱۳/۸	۱۱/۸	۱۴/۴	۳۶	۱۵/۸	۱۸/۶	۱۱/۲	۱۱/۶	۲- میان مدت (۶ تا ۲۴ ماه)
۱/۱	۰/۹	۰/۶	۰/۷	۱۵/۷	۲	—	—	—	۲۹/۶	۱۱/۶	۳- درازمدت (بیشتر از ۲۴ ماه)

وام را برای مقاصد سرمایه‌ای خواستار شده‌اند. نسبت وام‌های ثبت شده از نقطه نظر میزان و مدت آنها و همچنین جدول شماره ۷، مؤید این نظر می‌باشد.

بنا به گفته کشاورزان نرخ بهره وام‌های منابع مختلف از این قرار است: بانک تعاون کشاورزی ۶ تا ۸ درصد، بانک توسعه کشاورزی ۷ الی ۷/۵ درصد، کارخانه‌های قند ۱ درصد و سایر منابع بیش از ۱۰ درصد. از آنجا که کشاورزان جزء برای تأمین بیشتر اعتبارات مورد نیاز خود به منابع غیربانکی متکی هستند، بناچار هزینه‌زیادتری بابت نرخ بالای این گونه وام‌ها متحمل می‌شوند.

جدول شماره ۸ میزان وام‌های انفرادی را که به هر یک از گروه کشاورزان تعلق گرفته است نشان می‌دهد.

جدول شماره (۸)

سبلغ وام‌های انفرادی به تفکیک درصد تعداد وام‌ها

سبلغ وام (به ریال)	واحد تولیدی	واحد تولیدی	واحد تولیدی	واحد تولیدی	واحد تولیدی
	شماره ۱	شماره ۲	شماره ۳	شماره ۴	شماره ۵
کمتر از ده هزار	—	۷	۷/۴	۷/۱	۷/۲
ده هزار تا پنجاه هزار	۲۳/۳	۳۱/۶	۶۴/۴	۶۰/۲	۶۸/۵
پنجاه هزار تا سیصد هزار	۲۷/۹	۴۹/۱	۲۳/۲	۳۰/۵	۲۱/۲
سیصد هزار تا یک میلیون	۳۲/۶	۵/۳	۴	۱/۹	۲/۷
بیشتر از یک میلیون	۱۶/۳	۷	۴	۰/۴	۰/۵

نسبت وام‌های بیشتر از ۳۰۰۰۰ ریال (به استثنای وام‌های دریافتی توسط واحد تولیدی شماره ۱) پائین است، و این امر یکبار دیگر مبین آنست که میزان سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه و عمران در واحدهای تولیدی به غیر از واحد شماره ۱، بالنسبه پائین است.

اکثر کشاورزان اظهار داشتند که ترجیح می‌دهند بیشتر از بانک تعاون کشاورزی وام بگیرند تا از تعاونی‌های روستائی. چرا که بانک تعاون کشاورزی وام بیشتر با شرایط باز پرداخت طولانی‌تر عرضه می‌دارد. با وجود این بنا به گفته غالب کشاورزان، دریافت وام از بانک تعاون کشاورزی مستلزم طی تشریفات و مشکلات اداری می‌باشد. در این میان تنها چند نفر از کشاورزان واحد ۱ و تعداد معدودی از واحد ۲ از وجود بانک توسعه کشاورزی اطلاع داشتند. مع هذا آن دسته از کشاورزانی که بانک توسعه کشاورزی را می‌شناختند، اعتقادشان بر این بود که بانک مذکور بعلت عرضه وام بزرگ‌تر با شرایط بازپرداخت طولانی‌تر، بهترین منبع پرداخت اعتبارات است. بیشتر کشاورزان، بویژه کشاورزان جزء، ارائه سند مالکیت یا سایر وثائق قابل قبول برای دریافت وام از بانک را بعنوان مانعی برمی‌شمردند.

غالباً سؤالات مربوط به فروش محصول و بازاریابی بلاجواب می‌ماند. در عین حال تعداد زیادی از کشاورزان، گندم و پنبه تولیدی خود را به هنگام برداشت به تجار شهری می‌فروشند. فقط ۲ تا ۴ درصد محصول گندم و ۱۰ تا ۱۵ درصد پنبه، در ازاا دریافت اعتبار به «سلف خران» پیش فروش می‌شود.

۳- نتایج : ویژگیهای شخصی کشاورزان و گرایش‌های آنان

۳-۱. سن کشاورزان- سن کشاورزانی که با آنان مصاحبه بعمل آمد، همان‌طور که انتظار می‌رفت بسیار متفاوت بود و این دامنه تغییر به استثنای صاحبان مزارع بزرگ (واحد تولیدی شماره ۱) ۲ تا ۵ سال بود. هیچ کدام از کشاورزان گروه تولیدی شماره ۱، در سنین بین ۳۱ تا ۳۵ سال نبودند. این امر نمایانگر آنست که کشاورزان جوان‌تر و پولدارتر که دارای تحصیلات بیشتری هستند، تمایل دارند کشاورزی را رها نموده، به فعالیت‌های دیگری روی آورند. بعلاوه تعداد کشاورزان ۱ تا ۴ ساله سائو وابسته به واحدهای تولید شماره ۱ و ۲، کمتر از میزان انتظار بود. و این امر شاید ناشی از اجرای اصلاحات ارضی (۱ تا ۴ سال گذشته) است که احتمالاً مالکان جوان‌تر را برآن داشت تا در آن هنگام دست از فعالیت‌های کشاورزی بردارند.

اکثریت قریب به اتفاق کشاورزان متأهل هستند، فقط ۷ درصد از کشاورزان واحد تولیدی شماره ۱ تن به ازدواج نداده‌اند.

در حدود ۳۰ درصد کشاورزان واحد تولیدی شماره ۱ در مزارع خود سکنی دارند، اما این رقم در مورد سایر واحدها (واحد شماره ۲ برابر ۴۰ درصد، واحد شماره ۳ معادل ۹۰ درصد و واحدهای شماره ۴ و ۵ برابر ۱۰۰ درصد) بالاتر است.

بررسی وضع سواد و تحصیلات کشاورزان نشان داد که در این زمینه بین کشاورزان واحد تولیدی شماره ۱ (واحدهای تولیدی خیلی بزرگ که در آن‌ها ۵ نفر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند) و سایر واحدها تفاوت آشکاری مشهود است. در حدود ۸۵ درصد تمامی کشاورزان مورد مصاحبه متعلق به سه گروه ۳ تا ۵ بودند. از این تعداد بیش از نصف بی‌سواد بوده، قریب $\frac{1}{3}$ مدرسه ابتدائی و کمتر از

$\frac{1}{10}$ دبیرستان را به پایان رسانیده بودند. سطح سواد و تحصیلات اولاد ذکور کشاورزان به میزان قابل ملاحظه‌ای بالاتر از سطح سواد و تحصیلات پدران آنهاست. باوجود این در واحد تولیدی شماره ۱ نسبت در خور توجهی از همسران و دختران کشاورزان دارای تحصیلات پایه هستند.

تقریباً اکثر کشاورزان چندین سال تجربه (معمولاً از اوان کودکی) در امر کشاورزی دارند، و فقط ۵ درصد کشاورزان گروه بزرگ، کمتر از ۵ سال تجربه دارند.

جدول شماره (۹)

سطح سواد و تحصیلات (درصد کشاورزان)*

واحدتولیدی	واحدتولیدی	واحدتولیدی	واحدتولیدی	واحدتولیدی	
شماره ۱	شماره ۲	شماره ۳	شماره ۴	شماره ۵	
۱۰	۴	۲	۱	—	دانشگاه
۴۹	۱۸	۱۱	۴	۵	دبیرستان
۳۴	۴۰	۳۷	۳۴	۲۶	دبستان
۷	۳۸	۵۱	۶۱	۷۰	بیسواد

* ارقام بصورت روند نوشته شده است.

۳-۲. میزان اتکاء کار کشاورزی

بیش از ۳۳ درصد کشاورزان مورد مصاحبه، کشاورزی را بعنوان حرفه اصلی خویش تلقی می کنند، حال آنکه این رقم در مورد کشاورزان گروه خیلی بزرگ معادل ۸۰ درصد است. قریب ۲۰ درصد کشاورزان گروه خیلی بزرگ متجاوز از نیمی از درآمد سالانه خود را نتیجه فعالیت های غیر کشاورزی خود می دانند. به موجب اطلاعات بدست آمده، فقط در حدود $\frac{1}{3}$ کشاورزان گروه کوچک حاضرند در صورت فراهم بودن فرصت برای اشتغال دیگر، کار کشاورزی را رها کنند، اما ۴ تا ۵ درصد کشاورزان مایلند به شهرها مهاجرت کنند مشروط بر اینکه مزایائی بر این امر مترتب باشد.

۳-۳. نظرات و برداشت کشاورزان در مورد سرمایه گذاری

در امر کشاورزی و روش ها و فنون نوین کشاورزی

تعداد زیادی از کشاورزان اظهار داشتند که در صورت کسب درآمد بیشتر وجوه اضافی را به امر توسعه کلی مزرعه و خرید تجهیزات کشاورزی اختصاص خواهند داد. بررسی نشان داد که بزرگترین نیازهای کشاورزی، اولویت دادن در تخصیص اعتبار به تسهیلات کشاورزی و وسایل و منابع تأمین آب می باشد. با وجود این ضمن پاسخ به این سؤال که «میزان سرمایه گذاری های اخیر و برنامه شما برای سرمایه گذاری های آتی چیست»، معلوم شد که تعداد معدودی از کشاورزان مبادرت به انجام این کار کرده و یا خواهند کرد (جدول شماره ۱۱). میزان سرمایه گذاری آتی کشاورزان تقریباً معادل همان برآوردهائی است که قبلاً در بند ۵-۲ ذکر شده است و دلیل عمده کشاورزان برای خودداری از سرمایه گذاری (نبودن سرمایه) با نیازهای ملموس آنان انطباق دارد.

جدول (۱۰)

میزان اتکاء به کار کشاورزان

شماره ۱	شماره ۲	شماره ۳	شماره ۴	شماره ۵	
۸۰	۹۸	۹۳	۹۹	۹۸	کشاورزان تاجر (درصد) میزان درآمد حاصل از فعالیت‌های غیر کشاورزی:
۶۱/۵	۶۸/۹	۷۴/۳	۷۸/۶	۷۷/۵	هیچ
۷/۷	۸/۹	۱۰/۹	۱۲/۲	۹/۵	کمتر از $\frac{1}{4}$ کل درآمد
۲/۶	۲/۲	۳/۴	۲/۵	۳/۴	کمتر از $\frac{1}{3}$ کل درآمد
۲/۶	۶/۷	۱/۷	۳/۶	۴/۸	نیمی از درآمد
۲۵/۶	۱۳/۳	۹/۷	۳/۱	۴/۸	بیش از نصف درآمد

جدول شماره (۱۱)

برنامه‌های سرمایه‌گذاری و مشکلات مربوطه

شماره ۱	شماره ۲	شماره ۳	شماره ۴	شماره ۵	
۳۱	۱۸	۱۷	۱۱	۱۰	کشاورزانی که می‌خواهند ظرف دو سال آتی سرمایه‌گذاری کنند (درصد)
۶۶	۶۳	۷۹	۸۸	۸۸	دلایل عدم سرمایه‌گذاری در کشاورزی:
۳	۷	۱	۱	۴	نداشتن سرمایه
					نداشتن زمین
					احساس عدم امنیت و اعتماد
۷	۶	۵	۳	۴	نسبت به مالکیت
۱۷	۹	۹	۵	۱	مشکلات اداری
۷	۱۵	۶	۳	۳	سایر موانع

کشاورزان برای کمک‌های فنی و اطلاعات کشاورزی که در زمینه بررسی نیازهای آنان ارائه می‌شود، اولویت خاصی قائل نبوده و با مأسوران ترویج کشاورزی کمتر تماس داشته‌اند. تقریباً تمامی کشاورزان به رادیوگوش می‌دهند و کشاورزان جزء غالباً از برنامه دهقان استفاده می‌کنند و کشاورزان گروه بزرگ به برنامه‌های تلویزیونی و اخبار توجه دارند.

تغییرات عمده حادث در روش‌های تولید در سال‌های اخیر عبارتند از افزایش مصرف کود شیمیائی و استفاده بیشتر از تراکتور (اجاره‌وخرید) برای شخم‌زنی. اکثر کشاورزانی که با آنان مصاحبه شد اظهار داشتند همگی نسبت به ایجاد تغییرات بیشتر در روش‌های زراعی موجود راغب‌اند، مشروط بر این که این دگرگونی‌ها موجب کسب درآمد بیشتر باشد. بطور کلی کشاورزان گروه بزرگ تمایل بیشتر نسبت به قبول تغییر دارند، چه آنها می‌توانند به نحو بهتری وام گرفته و یا مازاد درآمد خویش را در راه اجرای شیوه‌های نوین زراعی سرمایه‌گذاری کنند.

۴-۳. سیاست کشاورزی و قیمت‌گذاری

کشاورزان همواره از قیمت زیاد داده‌های کشاورزی و پائین بودن بهای فرآورده‌های خود شکوه می‌کنند و آنهایی که در این بررسی با آنان مصاحبه بعمل آمد، از این قاعده مستثنی نیستند. کشاورزان مزبور بطور کلی از اقدامات و سیاست‌های کشاورزی دولت آگاهند و در این میان کشاورزان خرده پا بویژه نسبت به وسایل و طرق خاص بهره‌گیری از مزایای برنامه‌های دولت اطمینان کمتری دارند. کشاورزان عمده از اثر رویدادها و حوادث بین‌المللی بر میزان بهره‌وری تولیدات خود، آگاهی بیشتری دارند.

مهم‌ترین داده‌های کشاورزی که گرانی بی‌رویه قیمت و هزینه آنها مورد اعتراض کشاورزان بود، قطعات یدکی ماشین‌آلات، تعمیر ماشین‌های کشاورزی و سموم دفع آفات می‌باشند. قیمت بالای تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات در زمانی که نرخ دستمزد را بطور پیوسته و سریع روبه‌تزايد است از نظر آنان حائز اهمیت ویژه‌ای است. کشاورزان بزرگتر بویژه معتقد بودند که دولت در امر پائین نگهداشتن قیمت اقلام غذایی (از طریق واردات فراوان آن) بیشتر قرین موفقیت بوده‌است تا کنترل هزینه‌های تولیدی آن. کشاورزان جزء عموماً عقیده داشتند که نه تنها واردات مواد غذایی بر روی تولیدات و حرفه آنها بی‌تأثیر است، بلکه برای مثال دلائل کاهش قیمت پنبه را نمی‌توانستند دریابند. کشاورزان جزء علیرغم عدم درک نسبی حقایق موجود در مقابل تغییرات محلی قیمت و کنش نشان‌داده، الگوهای کشت و تولید محصول را با این تغییرات منطبق می‌ساختند (بعنوان مثال در این سال سطح کشت پنبه را تقلیل دادند).

کشاورزان جزء نسبت به سیاست‌های کشاورزی دولت اعتقاد بیشتری داشتند، حال آنکه کشاورزان عمده خواستار کاهش دخالت دولت در امر کشاورزی بودند. فقط در حدود ۷ درصد از دو گروه اظهار داشتند که بعلت عدم اطمینان از وضع آتی مالکیت زمین، تمایلی نسبت به سرمایه‌گذاری در زمینه کشاورزی ندارند.

۴- نتیجه گیری و پیشنهادات

۴-۱. وضع موجود

تقریباً نیمی از اراضی مشمول بررسی حاضر، متعلق به گروه تولیدی خیلی بزرگ بود. سطح فعلی و بازده مزارع این گروه تولیدی معقول بوده است، و نزدیک به $\frac{1}{4}$ از کشاورزان مزبور در نظر دارند از طریق سرمایه گذاری تولیدات خود را افزایش دهند. این کشاورزان عمده بعلت برخورداری از استعداد و قابلیت فردی، دسترسی داشتن به اعتبار و سایر نهاده‌های زراعی، و نیز در اختیار داشتن قطعات بزرگ زمین، می‌توانند نسبت به توسعه بیشتر کار کشاورزی اقدام کنند. اینان نسبت به نیت و توان دولت جهت حفظ و افزایش منافع حاصل از کشاورزی اندکی با تردید می‌نگرند. با وجود این در صورتی که میزان سودآوری فعالیت‌های کشاورزی در سطح موجود باقی بماند و سرمایه‌گذاری در این بخش کماکان متضمن امتیازاتی باشد، کشاورزان مذکور احتمال در اسر سرمایه‌گذاری (یا افزایش سرمایه‌گذاری) و در نتیجه بالا بردن تولید کوشا خواهند بود.

برعکس، کشاورزان گروه دیگر (واحدهای تولید ۲ تا ۵) بعلت رویارویی با موانع مهم و متعدد دچار محدودیت می‌باشند. نخست آن که تقسیم زمین به قطعات کوچک موجب می‌شود که کاربرد ماشین‌آلات کشاورزی از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نباشد و بهبود روش تهیه و استفاده از آب زراعی توأم با اشکالاتی شود. حتی در گروه ماقبل خیلی بزرگ (واحد تولیدی شماره ۲) که متوسط سطح کل اراضی آن قریب ۱۰۰ هکتار است، اکثر کشاورزانی وجود دارند که دارای قطعات ۱ هکتاری می‌باشند. لازم است این امر مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد، زیرا در صورت وجود اثبات آن بدیهی است که تقسیم زمین به قطعات کوچک مانع اساسی توسعه بیشتر کشاورزی حتی برای کشاورزان تاجر می‌باشد.

ثانیاً کشاورزان کوچک‌تر دسترسی به اعتبارات دراز مدت دارند. کشاورزان واحدهای تولیدی ۳ تا ۵ آگاهی چندانی نسبت به تسهیلات اعتباری بانک توسعه کشاورزی ایران ندارند و احتمالاً در ارائه مدارک لازم بعنوان وثیقه و بازپرداخت وام مواجه با مشکلاتی هستند. اگرچه این کشاورزان از فنون جدید کشاورزی اطلاع کمتری دارند، ولی از آنجا که بیشتر با کشاورزی خوگرفته‌اند نسبت به تهیه اعتبار اضافی، واکنش مساعدی از خود بروز می‌دهند، مشروط بر این که امکان ادغام چند قطعه از اراضی مزروعی میسر بوده و آب زراعی بیشتری در دسترس باشد. کشاورزان جزء در مقام مقایسه با کشاورزان گروه بزرگ احتمالاً از سرمایه‌گذاری خود برگشت کمتری توقع دارند.

۴-۲. پیشنهادات

در حال حاضر دولت قیمت اکثر داده‌ها و فرآورده‌های کشاورزان را یا تعیین کرده و یا بر

آنها اعمال نفوذ می‌کند و انگیزه‌هایی برای سرمایه‌گذاری در امر کشاورزی ایجاد می‌کند. معهذاً میزان واقعی سود بسیاری از واحدهای کشاورزی متکی به اسناد و کاملاً مشخص نیست. به‌منظور بررسی نارضایتی‌های کشاورزان از فقدان سود و درآمد، لازم است یک سازمان بی‌طرف مأسور شود تا اسناد و سوابق مربوط به عواید حاصل از فرآورده‌های اصلی کشاورزی را مطالعه و نگهداری کند.

کشاورزان عمده در حال حاضر از برنامه‌های موجود کاملاً برخوردار می‌باشند. در صورت نافع بودن فعالیت‌های کشاورزی دولت و بسط و گسترش خدمات و شعب بانک توسعه کشاورزی و همچنین ایجاد تسهیلات در زمینه صدور پروانه برای استفاده از آب‌های زیر زمینی، کشاورزان مزبور احتمالاً بر میزان سرمایه‌گذاری‌های خود در امر کشاورزی خواهند افزود.

وزارت کشاورزی و عمران روستائی در سال‌های اخیر ضمن توجه فراوان به امر اراضی مزروعی موجب شده است که قانونی برای گسترش قطب‌های کشاورزی وضع شود. با وجود این هنوز بسیاری از اراضی، خارج از محدوده قطب‌های کشاورزی مشخص شده، قرار دارند. لذا باید موجباتی فراهم شود تا قطعات پراکنده اراضی بصورت یک پارچه، واحدهای کشاورزی سودبخش ترکیب و تبدیل شود و در عین حال از بروز زمین بازی یا احتکار زمین جلوگیری بعمل آید. این امر به هیچ وجه فعالیت‌های انجام شده در زمینه اصلاحات ارضی را خنثی نمی‌کند، بلکه امکان استفاده مؤثر از آب و ماشین آلات را میسر خواهد ساخت. تهیه و پیش‌بینی اعتبار برای خرید زمین (با شرایط دقیق دریافت) و همچنین تشویق دولت برای ایجاد یک بازار معقول دادوستد اراضی مزروعی، به تحقق این امر کمک خواهد کرد. در حال حاضر اقدامات دولت در جهت جلوگیری از بورس بازی اراضی کشاورزی اثرات جنبی نامطلوب (ادامه تقسیم هرچه بیشتر اراضی به قطعات کوچک) ببار آورده است.

کشاورزان جزء برای توسعه فعالیت‌های خود هنوز هم به اعتبار کافی دسترسی ندارند. برای چاره‌جویی این مشکل پیشنهادهائی بدین شرح ارائه می‌شود:

(الف) شعب بانک توسعه کشاورزی گسترش یافته و بانک تعاون کشاورزی تسهیلات اعتباری بیشتری عرضه بدارد.

(ب) با همکاری بانک ملی توجه بیشتری به برنامه تعاون سبذول شود و سایر بانک‌های تجاری اقدام به ایجاد برنامه‌های مشابه بکنند.

(ج) مقررات مربوط به وثیقه بازپرداخت وام، مورد تجدید نظر کلی قرار گیرد و وسایل و طرق دیگری برای تضمین اعتبارات عرضه شده تعیین شود. ادامه جانشین کردن ماشین آلات کشاورزی بجای کارگر، باید توأم با اجرای یک برنامه گسترده پرداخت اعتبار برای ماشین‌های جدید و داده‌های زراعی مناسب باشد. در مورد اراضی‌ای که هنوز مشمول توسعه همه جانبه نشده است،

پیشنهاد می‌شود که از سوی سازمان‌های ذیربط تسهیلاتی در جهت مرتفع ساختن مشکلات موجود برسر راه توسعه و استفاده بیشتر از آب‌های زیرزمینی فراهم آید. این امر در ارتباط با افزایش میزان عرضه اعتبار برای حفر چاه صورت گیرد. از طرفی ضرورت ایجاد می‌کند که فعالیت‌های زیادی در زمینه ارائه و نمایاندن فنون جدید تولید محصول به کشاورزان کوچک و متوسط انجام شود. این‌گونه فعالیت‌های نمایشی را می‌توان به بهترین وجه در ارتباط با فعالیت‌های معمول بهترین کشاورزان هر منطقه ارائه داد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی